

گزارش

فروپاشی ائتلاف

میان یهودیان و حزب دموکرات

برای نخستین بار حداقل در ۲۰ رقابت انتخاباتی اخیر به نظر می‌رسد ائتلاف میان یهودیان امریکا و حزب دموکرات این کشور در آستانه فروپاشی است. روزنامه لبنانی السفير با ارائه گزارشی تحت عنوان «ائتلاف میان یهودیان امریکا و حزب دموکرات در آستانه فروپاشی»، نوشت: «رسانه‌های عبری این روزها به بحران بی‌سابقه‌ای میان باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا و اقلیت یهودیان این کشور اشاره می‌کنند، تا جایی که میزان تابیدی که اوباما در محافل یهودیان از آن برخوردار است به شدت کاهش یافته و شماری از رهبران سازمان‌های یهودی خروج آشکار علیه اوباما را آغاز کرده‌اند.» به گزارش ایسنا، روزنامه عبری معاریو نیز در این راستا نوشت: تنها پس از گذشت یک سال و نیم از ورود اوباما به کاخ سفید و سه هفته پیش از انتخابات میان‌دورهای، بحران میان اوباما و لابی یهودیان به اوج خود رسیده است. اقتصاد امریکا جایگاه خود را از دست می‌دهد و تلاش برای فشار بر مؤسسات مالی وال‌استریت ادامه دارد و در واقع تنش علنی با اسرائیل ادامه می‌یابد. همه این امور، هزینه‌ای به دنبال دارد که تنها بر عهده اوباما نیست بلکه شمار زیادی از نامزدهای دموکرات انتخابات آینده با آن دست به گریبان خواهند بود.مارتین پروت نویسنده یک روزنامه عبری نیز اذعان کرده بسیاری از یهودیان را می‌شناسد که از انتخاب اوباما احساس پشیمانی می‌کنند. رویکرد بسیاری از یهودیان امریکا به سوی راستگرایان تمایلی غیرطبیعی محسوب می‌شود. طی ۲۰ رقابت انتخاباتی اخیر حدود سه‌چهارم یهودیان به نامزد دموکرات‌ها رای داده‌اند و اوباما در حالی پیروز انتخابات شد که روابط پیچیده‌ای با بسیاری از افراط‌گرایان چپگرا داشت و با این حال ۷۸ درصد از آرای یهودیان را از آن خود کرد. ولی در حال حاضر وی و حزب دموکرات به دلیل سیاستش با خطری واقعی مواجه هستند که می‌تواند ائتلاف تاریخی با لابی یهود را نابود کند. با این حال این فروپاشی اوباما را غافلگیر نمی‌کند. در نظرسنجی بعمل آمده از سوی انجمن مک لافلین حدود شش ماه پیش تنها ۴۲ درصد از یهودیان گفتند بار دیگر به اوباما رای خواهند داد ولی برای نخستین بار از زمان ورود اوباما به کاخ سفید، شماری از رهبران یهودیان امریکا به طور علنی در برابر رئیس‌جمهور امریکا ایستاده‌اند. مارتین پروت تصریح می‌کند: اوباما ۱۰ ماه پیش تایید خود را از دست داده و من بسیاری از یهودیان ساحل غربی را می‌شناسم که به دلیل حوادث کنونی اسرائیل از انتخاب اوباما پشیمان هستند.

شهردار یهودی سابق نیویورک که به تازگی به طور علنی مقابل سیاست اوباما ایستاده است، اظهار داشت: دوست داشتم به او اطمینان کنم و خودم را برای اطمینان به وی مجبور کردم ولی او این اطمینان را از بین برد. وقتی اطمینان از بین رفت، تلاش نکن که دوباره آن را بازگردانی. منظور شهردار رابطه اوباما با جرمی رایت، واعظی است که به یهودی‌ستیزی متهم است. اوباما بحران اعتماد میان خود و یهودیان را حس می‌کند و بارها تلاش کرده نگرانی‌های اعضای یهودی کنگره را کاهش دهد و گفت‌وگوهای نیز با رهبران سازمان‌های یهودی داشته و موضع خود در پایبندی بدون تردید به امنیت اسرائیل را تکرار کرده است ولی کارهای وی خلاف آن را نشان می‌دهد. بحران اخیر تنها به دلیل توقف شهرک‌سازی‌ها و ازسرگیری مذاکرات صلح نیست، بلکه به سبب چیزی است که برخی آن را تلاش برای بی‌ارزش کردن جایگاه اسرائیل به عنوان هم‌پیمان برتر امریکا می‌دانند. در این راستا یهودیان به سفر اوباما به خاورمیانه اشاره می‌کنند که وی به ترکیه، عربستان و مصر رفت و آشکارا اسرائیل را نادیده گرفت. وی در سخنرانی تاریخی خود در دانشگاه قاهره حق یهودیان برای زندگی در فلسطین را برگرفته از رنج‌های فراوان آنان در هولوکاست نازی‌ها دانست و همین امر خشم بسیاری از یهودیان را برانگیخت؛ کسانی که این سخن را پذیرش روایت عربی و تلاش برای انکار حق تاریخی یهودیان در فلسطین محسوب کردند. توهین آشکار دیگری به بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل طی سفر وی به واشنگتن رخ داد که اوباما برخلاف پروتکل‌ها، اجازه برگزاری کنفرانس مطبوعاتی مشترک با مکس گرتفن با نتانیاهو را نداد، رئیس انجمن ضدهتک حرمت نیز اظهار داشت: همه مشاوران اوباما در امور خاورمیانه یقین دارند درگیری اسرائیلی – فلسطینی منبع همه مشکلات خاورمیانه است. آنان به اوباما می‌گویند تو باید به جهان اسلام ثابت کنی که با روسای جمهور قبلی فرق داری و برخلاف آنان می‌توانی خود را از اسرائیل و شهرکنشینان جدا کنی. کسی که بیش از دیگران از احساسات یهودیان امریکا سخن می‌گوید الی ویزل برنده جایزه نوبل است که اوایل گذشته با انتشار بیانیه‌ای در مطبوعات امریکا به تلاش دولت امریکا برای نقض حق اسرائیل در قدس اعتراضی کرد. ویزل معتقد است بیشتر مشکلات امریکا و اسرائیل به حال خود باقی مانده ولی تبادل اتهام امری پنهان است. بیش از دو سال به انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا زمان مانده ولی صورت‌حساب اوباما را باید حزب دموکرات از الان پرداخت کند. به نظر ناظران بسیاری از یهودیان تصمیم گرفته‌اند به نامزدهای این حزب در انتخابات کنگره که نوامبر آینده برگزار می‌شود کمک مالی نکنند. روزنامه واشنگتن‌پست با انتشار گزارشی اعلام کرد: حمایت‌های مالی از نامزدهای حزب دموکرات از سوی مؤسسات مالی به ۶۵ درصد کاهش یافته است. حییم صبان یهودی از بزرگ‌ترین حامیان مالیی حزب دموکرات می‌گوید: فرضیه مردان اوباما این است که یهودیان لیبرالیست هستند و از این رو هرگز به جمهوریخواهان رای نمی‌دهند. اوباما می‌تواند ۱۰ تن از بهترین حامیان یهودی را رای گفت‌وگو درباره یک سخنرانی خوب به کاخ سفید دعوت کند و معتقد باشد پس از آن همه مشکلات با یهودیان امریکا حل می‌شود، ولی این مساله می‌تواند درست یا نادرست باشد.

روز جمعه هشتم اکتبر نشست وزرای امور خارجه اتحادیه عرب در شهر «سرت» لیبی برگزار شد و موضوع صلح اعراب و اسرائیل در این اجلاس مورد بررسی قرار گرفت. دبیرکل اتحادیه عرب «عمرو موسی» بعد از جلسه کمیته ویژه اتحادیه عرب در این خصوص به خبرنگاران گفت: «شرایط مذاکرات مستقیم صلح منفی است و زمینه برای این مذاکرات مساعد نیست.» وی افزود: «ما در این چارچوب که مذاکرات فعلی مثمر‌تر نیست گزینه‌های جایگزین را فرمول‌بندی می‌کنیم. در شرایط کنونی به دلیل مواضع بسیار منفی اسرائیلی‌ها مذاکراهی وجود ندارد چراکه آنان در مذاکرات همکاری نمی‌کنند.» این در حالی است که قبل از این نشست «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی ضمن تهدید چندباره به استعفا از اعراب خواسته بود از پیش‌شرط توقف شهرک‌سازی‌ها در مناطق اشغالی برای ادامه مذاکرات صلح حمایت کنند. چند روز قبل از این نشست نیز کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) با اکثریت مطلق آرا به محمود عباس توصیه کرده بود قبل از توقف شهرک‌سازی‌های اسرائیلی که مهلت ۱۰ماهه آن ۲۶ سپتامبر سپری و به تازگی از سر گرفته شده بود، مذاکرات مستقیم صلح را تحریم کند. دبیرکل اتحادیه عرب در مصاحبه خود ضمن تاکید بر مسوولیت شکست مذاکرات توسط دولت تل‌آویو و حمایت از مواضع عباس، بر این نکته انگشت گذاشت که در این نشست وزرای امور خارجه اتحادیه هیچ توصیه‌ای به مقامات فلسطینی نخواهند کرد. ظاهراً این موضع‌گیری دوبه‌لوا از سوی اتحادیه عرب یک پالس مثبت به ایالات متحده بوده است تا همچنان به تلاش‌های خود برای اقناع و فشار بر تل‌آویو جهت پایبندی به توقف شهرک‌سازی‌ها ادامه داده و مسوولیت شکست مذاکرات بر دوش اعراب نیفتد. چنانچه در بیانه کمیته پیگیری اتحادیه متشکل از ۱۳

کشور عرب، از امریکا درخواست شده است «رای فراهم کردن زمینه‌های مساعد و شرایط ازسرگیری مذاکرات مستقیم صلح جهت توقف شهرک‌سازی‌های اسرائیلی تلاش کند». از طرف دیگر «نتیل ابوردینه» سخنگوی محمود عباس بعد از این جلسه ضمن اذعان به اینکه موضع‌گیری‌مان تغییر نکرده است و تا زمانی که شهرک‌سازی‌ها ادامه دارد ما در مذاکرات مستقیم شرکت نمی‌کنیم، می‌گوید: «این تصمیم مقامات عرب به امریکا فرصت می‌دهد قبل از جلسه آینده دولت‌های عرب، برای مساله شهرک‌سازی‌ها در سرزمین‌های فلسطینی راه‌حلی پیدا کنند.» از آنجا که در طول یک ماه گذشته امریکا و اتحادیه اروپا موکداً از اسرائیل خواسته‌اند با تمدید توقف شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری و بیت‌المقدس زمینه‌های یک توافق برای یافتن راه‌حل جهت صلح خاورمیانه را مهیا کند و حتی به طور مشخص به تمدید چهارماهه توقف شهرک‌سازی‌ها نیز اشاره کرده‌اند، این موضع عربی یک اقدام مصالحه‌جویانه باید تلقی شود.

دولت تل‌آویو که زیر فشار فزاینده‌ای از سوی متحدان سنتی خود قرار گرفته برای توجیه عملکرد فعلی و عدم تمدید توقف شهرک‌سازی‌ها به این نکته بسنده کرده است که «خاتمه دوره تعلیق به معنی آن نیست که این ساخت و سازها به زودی از سر گرفته می‌شود و به سرعت گسترش می‌یابد». صلح خاورمیانه و تلاش جهت جستن راه‌حلی برای آن هم‌اکنون به یکی از اولویت‌های سیاست خارجی دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری ایالات متحده تبدیل شده است.

بدون موفقیت در این مسیر و برداشتن گام به جلو، معماها و معادلات پیچیده منطقه‌ای که خود مجموعه‌ای از بحران‌های مرتبط با هم را تشکیل می‌دهند از وضعیت بن‌بست‌گونه فعلی خارج نخواهند شد. هرگونه پیشرفتی در عرصه سیاسی- امنیتی خاورمیانه در وهله اول منوط به موفقیت در تحقق صلح بین اسرائیل- فلسطینی بوده و این بزنگاه دقیقاً

جهان

هویت یهودی، توپ بازی سیاست شده است

چاقوی بنیادگرایی یهودی بر گلوی صلح

اردشیر زارعی‌قنواتی



جایی است که امیدها و یأس‌های آینده را برای ثبات یا بی‌ثباتی منطقه‌ای توجیه می‌کند. این واقعیت عینی را جامعه جهانی، کشورهای عرب- مسلمان و حتی اسرائیلی‌ها نیز به خوبی می‌دانند و هر کدام از آنان بسته به موقعیت و تمایلات خویش می‌خواهند از این مولفه غیرقابل اجتناب بهره لازم را ببرند.

با توجه به این واقعیت آنچه امروز در کانون موضوع صلح خاورمیانه وجود دارد همراهی و همگامی بازرگانان این عرصه خواهد بود و به همین دلیل عناصر تاثیرگذار بر قضیه، دامنه «علت» و «معلول» را در بطن موضوع مد نظر قرار می‌دهند. مواضع اتخاذشده در نشست وزرای امور خارجه اتحادیه عرب دقیقاً در چنین چارچوبی قابل بررسی بوده و آنان ضمن اظهار ناخشنودی خود از شرایط فعلی

سعی کرده‌اند توپ را به زمین حریف بفرستند. از طرف دیگر اعراب به این نکته ظریف نیز واقفند که صلح خاورمیانه برای باراک اوباما به چه میزان دارای اهمیت است و نمی‌خواهند به عنوان مسبب اصلی شکست این مذاکرات به حساب آیند. آنان با اتخاذ این مواضع دوبه‌لوا همچنین می‌خواهند آبرو و فشار واشنگتن بر تل‌آویو را همچنان فعال نگه داشته و قدرت چانه‌زنی خود را با مرکز

(امریکا) حفظ کنند. این سیاست هر چند تا حدود زیادی پشتوانه مانور ایدئای محمود عباس را برای خروج از مذاکرات صلح با مشکل روبه‌رو می‌کند اما اتحادیه عرب را در موقعیت میانجی مسوولیت‌پذیر به لحاظ درک امریکایی قرار خواهد داد. به احتمال زیاد طرف فلسطینی نیز در چارچوب همین نگرش حداقل تا نشست بعدی اعراب سیاست کج‌دار و مریز کنونی را در قالب تهدید و ترغیب دنبال کرده و موضع‌گیری نهایی را به بعد موکول خواهد کرد. اما در واشنگتن و تل‌آویو وضع به کلی فرق می‌کند و به جهت توصیه‌های موکد قبلی باراک اوباما و اتحادیه اروپا جهت توقف شهرک‌سازی‌ها در طول مذاکرات، هم‌اکنون توپ غلطنی که اعراب فرستاده‌اند توسط دو طرف دیگر بازی صلح باید به یک گل تبدیل شده یا به اوت فرستاده شود.

نخست‌وزیر به تندروهایی چون «ویگدور لیبرمن» وزیر امور خارجه این کشور جهت جلب موافقت آنان برای عقب‌نشینی موضعی و مقطعی از معضل شهرک‌سازی بوده باشد، اما در اساس فریبکارانه و نژادپرستانه موضوع، هیچ تغییری نمی‌دهد. طبق سرشماری سال ۲۰۰۷ میلادی از جمعیت هفت میلیون و ۶۰۰ هزار نفری اسرائیل حدود ۲۰ درصد ساکنان را اعراب تشکیل می‌دهند و بخشی از آوارگان فلسطینی نیز که قبلاً ساکن مرزهای قبل از ۱۹۴۷ در قسمت اسرائیلی بوده‌اند طبق معاهدات بین‌المللی باید حداقل بعد از تحقق صلح و تشکیل کشور مستقل فلسطین به اسرائیل برگردند. همچنین با توجه به پیوندهای نسبی و قومی اعراب دارای تابعیت اسرائیلی و دیگر فلسطینی‌ها، معمولاً ازدواج و مهاجرت بخشی از آنان به اسرائیل کاملاً محتمل و حتی حتمی است

که طبق این قانون موظف به ادای این سوگند و پذیرش هویت یهودی کشور مقصد خواهند بود. این قانون تازه برای این گروه‌های اقلیت نه‌تنها ناقض هویت دینی – قومی خود است که در آینده می‌تواند به لحاظ قانونی تبعیض‌آمیز بوده و بسیاری از حقوق مشروع آنان را در دستیابی به حقوق کامل شهروندی نقض‌کند

به عکس تصور غالب، طی سال‌های اخیر بنیادگرایی مذهبی تنها مختص مسلمانان و بخش افراطی آنان نبوده است و این تفکر زمینه‌ای عینی در دیگر مذاهب و به خصوص یهودیت صهیونیستی نیز داشته است. آموزه‌های بعضی مکاتب و مدارس مذهبی یهودی در اسرائیل و گروه‌های تندرو راست حاضر در ائتلاف دولت بنیامین نتانیاهو ریشه‌های قدرتمندی در آیشخور بنیادگرایی داشته و چندان بی‌شباهت به نحله‌های فکری سلفی گرا نخواهد بود. گفته

می‌شود بنیادگرایان تندرو موسوم به «حاردی» که در مدارس دینی و بر اساس آموزه‌های سنتی تورات تحصیل می‌کنند، جمعیتی حدود ۱۰ درصد از یهودیان اسرائیلی را تشکیل می‌دهند که سبک و سیاق و حتی نوع لباس پوشیدن و رفتارهای اجتماعی آنان بی‌شباهت به مدارس علوم دینی وابسته به بنیادگرایان طالبانی در پاکستان نیست. این طیف قدرتمند در جامعه دینی و سیاسی اسرائیل که از تشکیلات سیاسی و توان اجتماعی بالایی نیز به واسطه رشد شدید زاد و ولد برخوردارند، هم‌اکنون در دولت بنیامین نتانیاهو در کنار ملی‌گرایان افراطی وابسته به جریان لیبرمن، چالش‌های بزرگی را در تقابل با فلسطینی‌ها و کارشکنی در روند هرگونه صلح پایدار ایفا می‌کنند

با توجه به آرایش نیروها در فضای سیاسی اسرائیل، این بهانه که نتانیاهو برای ثبات سیاسی و حفظ دولت ائتلافی خود به اجبار باید به بنیادگرایان و تندروهای راستگرا امتیاز دهد به کلی اشتباه و یک فراقتنی غیرپذیرفتنی است. حزب لیکود قادر است در صورت خروج تندروها از ائتلاف کنونی، با حزب کادیما در کنار متحد کنونی خود حزب کارگر، یک دولت اکثریت را شکل داده و در مسیر مصالحه مورد نظرجمع‌جهلی‌حرکت‌کند

دامه شهرک‌سازی در مناطق اشغالی و تصویب «دولت یهودی» بیش از آنچه مربوط به فشار یک اقلیت متحد در درون دولت ائتلافی کنونی باشد، ناشی از ذات پارادوکسیکال و استفاده همیشگی جناح راست اسرائیل از بنیان‌های واپس‌گرایانه قومی – مذهبی در ساخت سیاسی موجود خواهد بود. تحرکات اخیر دولت تل‌آویو در خصوص تاکید بر این دو مقوله اخلاک‌گرایانه در شروع دور تازه گفت‌وگوهای مستقیم صلح خاورمیانه یک دهن‌کجی آشکار به عزم جامعه جهانی در این مورد و ماهیت جنگ‌طلبانه دولت ائتلافی بنیامین نتانیاهو است که اصولاً با مولفه‌ای به اسم «صلح» بیگانه است.

گزارش

عایشه

صاحب بینی تازه شد

عایشه دختر ۱۸ساله افغان که بینی‌اش را در اثر خشونت خانوادگی از دست داده بود، حالا بعد از یک جراحی پلاستیک صاحب بینی موقت شده است. عایشه در ماه آگوست برای جراحی پلاستیک به امریکا منتقل شد و حالا در کالیفرنیا به سر می‌برد. پزشکان عایشه گفته‌اند مداوای او تا هشت ماه دیگر کامل خواهدشد.

عایشه بعد از انجام این عمل جراحی در حالی که ظاهراً چهره اصلی‌اش را باز یافته برای اولین بار جلوی دوربین‌ها ظاهر شد. یک نهاد امریکایی به نام «بنیاد گراسمن برن» جایزه‌ای را به نام «قلب بردبار» به این دختر افغان داده است. ماجرای عایشه اخیراً و پس از آن مورد توجه قرار گرفت که عکسی از او با بینی بریده روی جلد مجله تایم امریکامنشرشد

تصویر تکان‌دهنده عایشه روی جلد مجله تایم

سر و صدای زیادی به پا کرد و سبب شد شماری از شخصیت‌های امریکایی از جمله لورا بوش همسر

جرج بوش رئیس‌جمهوری پیشین امریکا برای دیدار و ابراز همدردی با عایشه به کالیفرنیا بروند. عایشه

زمانی که ۱۲ سال بیشتر نداشت، به یک خانواده که ادعا می‌شود پسرشان جنگجوی طالبان بوده در

ولایت ارزوگان به «بد» داده شد. «بد دادن» سنتی است که در بخش‌هایی از افغانستان از آن برای حل منازعات خانوادگی و محلی استفاده می‌شود. کاکا (عمو)ی عایشه یکی از بستگان فردی را که بعداً شوهر عایشه شد، به قتل رسانده بود و بر اساس رسمی که در برخی از مناطق افغانستان رایج است برای پرداخت خون‌بها، پدر عایشه او و خواهرش را به بستگان خانواده قربانی، به «بد» داده بود. وقتی عایشه به سن بلوغ رسید، شوهر او اکثراً در حالت خفا به سر می‌برد و عایشه و خواهرش بیشتر با بستگان شوهرش زندگی می‌کردند. عایشه می‌گوید بستگان شوهرش با او و خواهرش مانند بردگان برخورد می‌کردند و آنان را مدام مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. عایشه بعد از مدتی بالاخره از این شکنجه فرار کرد اما بستگان شوهرش او را در قندهار یافتندوبه‌ارزوگان‌بازگردانند.

گزارشگر تلویزیون سی‌ان‌ان در افغانستان نوشته است عایشه در بازگشت به ارزوگان برای نخستین بار شوهرش را دید. شوهرش از پاکستان بازگشته بوده تا او را به اتهام «بی‌عزت ساختن و شرمسار ساختن خانواده‌اش» در دادگاه طالبان محاکمه کند.

دادگاه طالبان حکم داد گوش و بینی عایشه بریده شود و شوهر عایشه شخصاً این کار را در دامنه یکی از کوه‌ها در ارزوگان انجام داد. عایشه در آنجا تنها رها شد تا در نتیجه خونریزی بمیرد. گروهی از سربازان خارجی که در حال گشت‌زنی بودند عایشه را پیدا کردند و او را به درمانگاه بردند. پس از آن عایشه به کابل منتقل شد و در خانه امنی اسکان داده شد. این خانه امن متعلق به نهاد خبریه‌ای بود که برای زنان افغان در کابل راه‌اندازی شده بود.

او مدتی در آنجا ماند تا مقدمات سفرش به امریکا فراهم شود. خواهر ۱۰ساله عایشه هنوز هم در ارزوگان زندگی می‌کند و از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست. عایشه می‌گوید در حال حاضر بزرگ‌ترین آرزویش این است که به بینی از دست‌داده‌اش را باز یابد. حالا امکانات و شرایط رسیدن او به آرزویش میسر شده و تنها چیزی که لازم است، چند ماه زمان بیشتر و یکی دو عمل جراحی دیگر است.

خشونت علیه زنان در افغانستان یکی از مشکلات جدی اجتماعی است. گزارش‌های سالانه سازمان ملل متحد نشان می‌دهد هنوز زنان زیادی در این کشور قربانی خشونت می‌شوند و بیشتر آنها اقبال خوش عایشه را نیز ندارند.

گفتنی است در کنار تصویر مثله‌شده عایشه روی جلد مجله تایم این تیتیر به چشم می‌خورد: «اگر ما افغانستان را ترک کنیم، آنجا چه اتفاقی می‌افتد؟» منتقدان حضور نیروهای خارجی در افغانستان این اقدام مجله تایم را «پاچ‌گیری عاطفی» خوانده و آن را محکوم کرده‌اند اما آثانی که از پیامدهای ترک افغانستان از سوی جامعه بین‌الملل در هراسند، آن را یک اقدام شجاعانه و سمبلیک در معرفی عق فاجه در این کشور می‌دانند.

«زنان برای زنان افغان» نهادی خیریه است که بی‌بی عایشه حدود ۱۰ ماه را در «خانه امن» مربوط به این نهاد سپری کرد. یکی از مسوولان این نهاد می‌گوید اگر نیروهای بین‌المللی افغانستان را در وضعیت کنونی ترک کنند، «سرنوشت عایشه می‌تواند سراغ بسیاری از خانم‌های افغان بیاید.» البته او می‌پذیرد که حتی حالا هم که طالبان بر سر قدرت نیستند، زنان در وضعیت بسیار دشواری به سر می‌برند اما در صورت برگشت طالبان به قدرت، وضعیت می‌تواند بسیار بدتر شود.

